

فصلنامه محیط راهبردی

سال چهارم، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۹۹

مقاله پژوهشی، صفحه ۶۵ تا ۱۰۴

تقویت و گسترش عدالت اجتماعی با رویکرد جهاد اقتصادی

محمدحسن دهقان، لیلیا مدبر، رضا قاسمی^۳

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۰۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۰۹

چکیده

عدالت اصل مهم و کاربردی در مکتب اسلام بوده که شالوده بعثت پیامبران را تشکیل داده است. گسترش عدالت در جامعه موجب سامان بخشیدن امور جامعه و مردم می شود و جامعه مطلوب را پدید می آورد. توزیع مناسب و عادلانه امکانات عمومی، مبارزه با بی عدالتی، فقر و فساد و تبعیض، امنیت اجتماعی را به وجود آورده و موجبات رشد و ترقی را در راستای مدینه فاضله فراهم می کند. نگارندگان در این مقاله، ضمن تبیین عدالت اجتماعی، با بهره گیری از قرآن، روایات و احادیث معصومین (علیهم السلام) به تحلیل آنها پرداخته و زیر ساختهای اقتصاد اسلامی را با رویکرد جهاد اقتصادی ترسیم و راه کارهای اجرایی شدن آن را تبیین نموده اند.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، عدالت اجتماعی، اقتصاد اسلامی، جهاد اقتصادی.

۱. استادیار دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

۲. مربی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی

۳. کارشناس ارشد فقه و حقوق

مقدمه

و جاهدوا فی الله حق جهاده هواجتیبیکم و ما جعل علیکم فی الدین من حرج مله ابیکم ابراهیم: و در راه خدا جهاد کنید، و حق جهادش را ادا نمایید! او شما را برگزید، و در دین (اسلام) کار سنگین و سختی بر شما قرار ندارد از آیین پدرتان ابراهیم پیروی کنید. (حج/۷۸).

اکثر مفسران جهاد را در اینجا به معنای انجام مبارزه مسلحانه با دشمنان نیاورده اند. بلکه آن را به معنای هر گونه جهد و کوشش در راه خدا و تلاش برای انجام نیکی ها و مبارزه با هوس های سرکش تفسیر کرده اند. (تفسیر نمونه ج ۱۴، ص ۱۸۱). بنابراین می توان اذعان نمود که حل مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی به مثابه انجام حدود الهی و کسب رضای خداوند بوده و می توان از آن به عنوان جهاد در راه خدا نام برد.

جهاد به این معنا با عدالت اجتماعی رابطه ای تنگاتنگ دارد، هدف پیامبران الهی و اولیاء دین نهادینه کردن عدالت در جامعه بوده است، آن بزرگواران تمام همت و تلاش خود را در راستای تقویت و گسترش عدالت اجتماعی بکار گرفتند تا از این طریق اهداف عالی ربوبی در میان انسان ها تحقق پیدا کند. از آیات شریفه قرآن کریم و سنت و سیره اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام استفاده می شود که بحث و توسعه آن از محوری ترین آرمانهای الهی است که جامه عمل پوشاندن آن به عهده انبیاء و اولیای الهی واگذار شده است.

بیان مساله

نظام مقدس جمهوری اسلامی که داعیه الگو بودن در همه عرصه ها را دارد، یکی از راه های رسیدن به این آرمان راه جهاد اقتصادی می داند، چرا که بدون روحیه جهادی، تقویت، گسترش و توسعه عدالت اجتماعی ممکن نیست.

ریشه کن کردن فقر، فساد و تبعیض از مولفه های این مهم است. بدیهی است رفع این نواقص، صرفا به عهده دولت و مسئولین نیست بلکه عزم و ارده ملی را می طلبد که با یکپارچگی انسجام ملی و روحیه جهادی ممکن و میسر خواهد شد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

در جوامعی همچون جامعه اسلامی ما که مسئولان امر هدف و مقصدشان عدالت گستری و رفع هرگونه ظلم و ستم و استفاده بهینه از سرمایه های خدادادی کشور است، بحث گسترش عدالت با روحیه جهاد اقتصادی امری ضروری به نظر می رسد که مبادا در تحت سیطره حکومت اسلامی، ظالمین و ستمگران در پایمال نمودن حق ضعفا خود را فاقد حد و مرز تلقی کرده و در این راه جرات به خرج دهند. این تحقیق می تواند در این خصوص، مولفه های قابل عمل را به دست اندرکاران ارائه دهد.

پیشینه تحقیق

در موضوع تقویت و گسترش جهاد اقتصادی تاکنون کار منسجمی صورت نگرفته است، در خصوص عدالت و جهاد، مطالب زیاد و پراکنده ای مورد بحث قرار گرفته است که لازم است بحث مهم و محوری عدالت با تمام شاخ و برگ های خود مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد بحمدالله دین مبین اسلام به انحاء مختلف در منابع غنی خود به آنچه انسان در عرصه زندگی به آن نیاز دارد، پرداخته است، بر پژوهشگران و محققان است که از این اقیانوس عظیم و ژرف، گوهرهای مورد نیاز را استخراج نمایند.

هدف تحقیق

هدف ترسیم راه های قابل اجرا و ساده در خصوص تقویت و گسترش عدالت اجتماعی با رویکرد جهاد اقتصادی با استفاده از منابع و فرهنگ غنی اسلام و تبیین مولفه های آن است.

سوال اصلی

راه های تقویت و گسترش عدالت اجتماعی با رویکرد جهاد اقتصادی کدامند؟

سوالات فرعی

عدالت اجتماعی چیست و اهمیت آن چگونه تبیین می شود؟

جهاد اقتصادی چیست، اهمیت آن چگونه تبیین می شود؟

چه رابطه ای بین عدالت اجتماعی و جهاد اقتصادی وجود دارد؟

فرضیه تحقیق

اسلام در ابعاد مختلف من جمله عدالت و عدالت گستری برنامه ای مستمر و عمیق دارد، در جهاد، توجه به شقوق و معنای آن می تواند پژوهشگر را در یافته ها و تجزیه و تحلیل های ذیربط یاری رساند.

روش تحقیق

این تحقیق با گردآوری مطالب از منابع مختلف-کتابخانه ای-انجام گرفته است. که با روش توصیفی-تحلیلی به تبیین موضوع اصلی می پردازد.

تعریف و مفهوم عدالت

اسلام این مسا له را که مسلمانان در مقابل ظلم و ستم ظالمان و ستمگران موضع بی طرفی برای خویش انتخاب کنند نمی پذیرد و لذا بر آنان واجب کرده است که اگر میان دو طایفه از مسلمانان جنگی درگرفت، میان آنها صلح و آشتی برقرار سازند، عدالت به خاطر اهمیتی که دارد از اصولی شمرده شده است که هیچ گونه تبعیضی قبول نمی کند و اسلام در هیچ مورد بی عدالتی را تجویز نمی نماید. اسلام مسلمانان را به صلح عادلانه و زندگی

مسالمت آمیز دعوت می‌کند ولی برای رفع ظلم و از بین بردن ظالم جنگ و قتال را تجویز نمی‌نماید. در اسلام جنگ و قتال نباید از حدود عدالت تجاوز کند زیرا جنگ به خاطر برقراری عدالت تجویز شده است، چگونه می‌تواند از حدود آن تجاوز نماید. عدالت در نظام اسلامی، اساس احکام و قوانین و میزان و معیار تشریح می‌باشد و همه نوع تصمیم در نظام اسلامی، از منطبق عدل سرچشمه می‌گیرد و قرآن مجید به مسلمانان دستور می‌دهد که برای برپای عدالت تا میتوانند همت به خرج بدهند. چنانکه فرمود: یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء الله و لو علی انفسکم «ای افراد با ایمان کاملاً به عدالت قیام کنید، برای خدا گواهی دهید اگر چه این گواهی به زیان خود شما باشد» (سبحانی، ۱۳۶۲، ص ۳۸۵).

یکی از ویژگی های پیروان پیامبران الهی، عدالت اجتماعی است. در آموزه های دینی ما به طور اخص به آن اشاره شده است. قرآن می‌فرماید: لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط؛ به یقین ما فرستادگان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و وسیله سنجش فرو فرستادیم تا مردم به قسط و عدل عمل کنند (سوره حدید آیه ۲۵). در این آیه شریفه، سه چیز مقدمه اقامه عدل ذکر شده است:

الف) بینات، یعنی دلایل روشن که شامل معجزات و دلایل حقانیت دعوت انبیاء و اخبار انبیای پیشین است.

ب) کتاب، اشاره به کتابه های آسمانی است و شامل بیان معارف، عقاید، احکام و اخلاق است، مجموعه باید ها و نباید های خداوند متعال است که از آنان به اوامر و نواهی یاد می‌شود.

ج) میزان، یعنی قوانین و دستورهایی که معیار سنجش نیکی ها از بدی ها و ارزش از ضد ارزش و حق از باطل است. تجهیز انبیای الهی به این سه نیرو و ابزار مهم، به آن بزرگواران امکان می‌دهد که انسانها را برای اقامه عدل بسیج کنند. نکته قابل توجه این

است که اقامه عدل را به انبیاء نسبت نمی دهد، بلکه می گوید: انبیاء الهی باید جوامع انسانی را تربیت کنند تا به صورت خودجوش قیام به عدل کنند. (پیام قرآن ج ۷ / ص ۲۳)

در نهج البلاغه، حضرت علی (علیه السلام) تعریف عدالت، «انصاف و میانه روی و اجتناب از افراط و تفریط و در جای دیگر به مفهوم قرار دادن هر چیز در جای خود و در موردی هم به معنای سیاست عمومی آمده است (جمشیدی، ۱۳۷۷، ص ۲۵۵)

شیخ انصاری عدالت را به معنای «استوار، استقامت یا هر دوی آنها» تعریف کرده است (انصاری، ۱۴۱۰ق، ص ۴۷)

مرحوم علامه طباطبائی در تعریف عدالت می فرماید: «در حقیقت عدل برپاداشتن مساوات است و برقراری موازنه بین امور به طوری که هر چیزی حق استحقاق خویش را داشته باشد. (طباطبائی، ۱۳۵۳، ص ۳۵۳)

استاد مطهری در این باره می نویسد: «قطع نظر از اجتماع، عدالت عبارت است از اعطاء حق به ذی حق یا عدم تجاوز به حق ذی حق» (مطهری، ۱۴۰۳ق، ص ۱۶)

امام خمینی (ره) می فرماید: عدالت عبارت از حد وسط بین افراط و تفریط و آن از راههای فضایل اخلاقیه است بلکه عدالت مطلقه تمام فضایل باطنیه و ظاهریه و روحیه و طبیعی و نفسیه و جسمیه است زیرا که عدل مطابق با همین معنی است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۲۳)

ابعاد گوناگون عدالت

- عدالت در داوری: اسلام تأکید دارد که عدالت بر کلیه شئون داوری حکومت کند از این جهت شرط کرده است که باید حاکم عادل باشد و بر او لازم است که در تمام مراحل حکم و حکومت طبق سنن عدالت عمل نماید، آنجا که می فرماید: «خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبان آنها برسانید و هنگامی که میان مردم داوری می

کنید از روی عدالت داوری کنید، خداوند پند و اندرزهای خوبی به شما می دهد، خداوند شنوا و بیناست»

- **عدالت در زمینه عمل به قانون:** اسلام تاکید زیاد دارد که عدالت باید در تمام افراد جامعه بدون استثنا اجرا شود و در نظر اسلام همه مردم، از رئیس و مرئوس و ... در برابر قانون مساوی هستند. رسول گرامی (صلی الله علیه و آله) فرمود: «الناس امام الحق السواء» مردم در برابر قانون مساوی هستند

- **عدالت در زمینه اقتصاد:** اسلام برنامه اقتصادی خود را براساس عدل وضع کرده است و بر حاکم اسلامی واجب نموده است که عدالت را در تمام زمینه های اقتصادی و با تمام مسائل ممکن، بسط و گسترش دهد و از هر نوع ظلم اقتصادی مانند: ربا، احتکار و دادن امتیاز به بعضی ها، منع کرده است و برای اجرای آن قوانین جزائی قاطعی نیز وضع کرده است که در تمام زمینه های اقتصادی، عدالت را تضمین کرده است. خداوند می فرماید: «و إن تبتم فلکم رؤوس أموالکم لا تظلمون و لا تظلمون» «اگر توبه کردید اصل سرمایه برای خودتان خواهد بود نه ستم کنید و نه به شما ستمی شود.»

- **عدالت در زمینه روابط اجتماعی:** اسلام نهایت تلاش خود را نموده که روابط اجتماعی طبق قواعد عدل برقرار گردد و طوری تنظیم کرده که در این روابط ظلم و بی عدالتی از بین برود. اسلام عدالت را باعث عاقبت بخیری جامعه می داند. عاقبت و سرانجام عدالت از این جهت بهتر و نیکوتر است که وقتی ظلم در جامعه به تدریج روی هم جمع شود، موجب انفجار آن جامعه شده و سرانجام شهرها و مردم شهرها به فساد و نابودی کشیده می شوند (سبحانی، ۱۳۶۲، صص ۳۹۰-۳۸۸)

عدالت اجتماعی

قرآن کریم می فرماید: لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط.

ما پیامبران خویش را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو فرود آوردیم که میان مردم به عدالت قیام کنند.

در این آیه کریمه برقراری عدالت به عنوان هدف بعثت همه انبیاء معرفی شده است. مقام قداست عدالت تا آنجا بالا رفته که پیامبران الهی به خاطر آن مبعوث شده‌اند. (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۵)

امام علی (علیه السلام) بحثی کلی در مورد حقوق می‌کند و می‌فرماید: حقوق همواره طرفینی است، از جمله حقوق الهی حقوقی است که برای مردم بر مردم قرار داده است، آنها را چنان وضع کرده که هر حقی در برابر حقی دیگر قرار می‌گیرد، هر حقی به نفع یک فرد و یا یک جمعیت موجب حقی دیگر است که آنها را متعهد می‌کند، هر حقی آنگاه الزام‌آور می‌گردد که دیگری هم وظیفه خود را در مورد حقوقی که بر عهده دارد انجام دهد. (دشتی، خطبه ۲۰۷)

بُعد اجتماعی و سیاسی عدل انسانی و فردی و به عبارتی نمود عینی و مجسم عدالت تام در درون جامعه و در مناسبات آزادی افراد بشر است که مصادیق آن را در قالب کنشهای اجتماعی، گروهی، تصویب و اجرای قوانین، ایجاد و اداره نظامها و احزاب، مقررات، معاملات، تولید، خدمات، توزیع، مصرف، مشروعیت نظامها، مشارکت مردمی، نظارت، هدایت، تعلیم و تربیت و غیره تجلی می‌یابد. عدلت اجتماعی در نحله‌های دیگر به صرف عدالت توزیعی حمل می‌شود؛ ولی در معنای اسلامی به مفهومی گسترده‌تر و دارای ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و پرورشی و حقوقی و قضایی است و صرفاً در توزیع قدرت یا ثروت خلاصه نمی‌شود.

این باور همگانی وجود دارد که روابط و مناسبات افراد و گروهها، قوانین و مقررات جامعه و همچنین نهادهای اجتماعی باید عادلانه باشند. مقررات و الزامات اجتماعی آنگاه از مشروعیت برخوردارند، که یا با عدالت انطباق داشته باشند و یا براساس آن بوجود آمده

باشند و بر مبنای آن نیز اجراء شوند. عدالت نه تنها در مورد فرد و کنش فردی؛ بلکه در مورد جمع و رفتار جمعی نیز معیار و ملاک است.

بنابراین مسأله قسط و عدل از دیرزمان اساسی‌ترین مسأله‌ها و مهمترین آرمان آدمی در کره خاکی بوده است و از موضوعاتی است که هر اندیشمندی آن را مورد عنایت و توجه قرار داده است. عدالت، فضیلتی است که تحوّل جوامع بشری منوط به آن بوده است و این فضیلت در وجود انسان به عنوان فرد، استقامت و اعتدال را می‌آفریند و در جوامع بشری نیز مولد استقامت، برابری، اعتدال و آزادی است. فقدان این عدالت در اجتماع باعث پیدایش تبعیض، ستم، فساد و عدم وفاق عمومی می‌شود و چنین جامعه‌ای از فضیلت، وفاق و همبستگی فاصله می‌گیرد و به سوی گسست و اضمحلال پیش می‌رود. (جمشیدی، ۱۳۸۰، ص ۵۸۱)

پایه های عدالت اجتماعی

از نظر رهبر دوران‌دیش و فرزانه انقلاب، عدالت اجتماعی بر سه پایه اساسی استوار است که معماران و طراحان نظام اجتماعی و مدیران و سیاستگذاران در پی ریزی بنیانها و سازمانهای اجتماعی باید همواره آنها را مد نظر قرار دهند:

– قوانین عادلانه

پایه اول، قوانین عادلانه است که به نظر معتقدان به اسلام این قوانین عادلانه فقط قوانین اسلام است، زیرا اسلام قوانین خود را از وحی خدا می‌گیرد و خدا که دانای همه اسرار و رموز عالم است قوانین جامعه اسلامی را منطبق با قوانین فطرت و طبیعت جهان قرار می‌دهد. و اگر قوانین الهی اجرا شود، عدل به معنای واقعی در جامعه مستقر خواهد شد.

– مجریان عادل و با تقوی

پایه دوم، نیروی اجرا کننده این قوانین است، اگر قوانین عادلانه باشد اما نیروی اجرا کننده عادل نداشته باشد از عدل اجتماعی خبری نخواهد بود. بهترین قوانین اگر مجریان شایسته ای نداشته باشند همیشه معطل خواهند ماند، همچنان که در قرن های گذشته قوانین اسلام در جامعه هایی که مسلمان ها در آن زندگی می کردند اجرا نشد. به همین جهت است که از نظر اسلام مجری قوانین یعنی آن مقامی که در رأس قوه اجرایی قرار می گیرد باید انسانی عادل و با تقوا باشد و با مراقبت کامل بر قوانین و اجرای آن نظارت کند.

– نظارت و آگاهی مردم

اما نکته بسیار مهم، در مورد پایه سوم، اجرای عدالت است و آن «مردم» اند. اگر بخواهیم در جامعه عدالت به معنای واقعی اجرا بشود باید مردم در صحنه اجتماع حضور کامل داشته باشند. حقوق خود را بفهمند و اجرای عدالت را که تأمین عادلانه آن حقوق است بخواهند. به همین جهت اسلام بر روی فهم و درک مردم تکیه می کند. اسلام نمی گوید که مجری عادل باشد؛ اما مردم می خواهند بفهمند یا نفهمند، بخواهند یا نخواهند، عدالت در حق آنان باید اجرا شود، چنین نیست. اسلام می گوید مردم باید به حقوق خود واقف باشند و اگر مردم به حقوق خود واقف شدند و آن حقوق را طلب کردند اجرای عدالت یک تضمین حتمی پیدا می کند. به همین جهت در دوران حکومت عادلانه امیرمؤمنان (علیه السلام) با اینکه قوانین اسلام در جامعه حاکم بود و با اینکه در رأس دستگاه حکومت، شخصی مانند علی بن ابی طالب قرار داشت که عدل مجسم بود در عین حال برای اینکه عاملان حکومت در گوشه و کنار جامعه بزرگ اسلامی از جاده عدل تخطی نکنند و حقوق مردم پایمال نشود، امیرالمؤمنین (علیه السلام) به هوشیار کردن مردم و آگاه ساختن آنها نسبت به حقوقشان اصرار عجیبی داشت.

اجرای عدالت در جامعه

در جامعه اسلامی ما باید این هر سه کار با هم انجام بشود، قوانین عادلانه اسلامی باید به وسیله مجلس شورای اسلامی به صورت کاملاً اسلامی تقنین بشود و وضع قوانین متکی و مبتنی به احکام اسلام باشد قوه مجریه و دستگاه دولت در اجرای قوانین اسلامی باید فروگذار نکند مخصوصاً قوه قضائیه و دستگاه دادگستری اسلامی باید صد در صد منطبق بر احکام اسلامی، حقوق حقه مردم را انفاذ کنند.

مردم را باید به حقوق خود آشنا کنند؛ گویندگان، نویسندگان، متفکران اسلامی و مردم بایستی حقوقشان را بشناسند و استیفای آن حقوق را بخواهند. (امام خامنه ای، ۱۳۶۰، ص ۱۴۵)

جنبه های عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی، جنبه های گوناگونی دارد که برای تأمین واقعی آن باید مورد توجه قرار گیرند، رهبر معظم انقلاب، طی نامه ای به ریاست محترم جمهوری، برای رعایت جنبه های مختلف عدالت اجتماعی در برنامه دوم توسعه، موارد زیر را مورد تأکید و عنایت قرار داده اند: الف: تقسیم بهینه منابع و امکانات عمومی،

ب: دریافت مالیات بر حسب برخورداری از درآمد،

ج: حمایت جدی و قانونی از اقشار مستضعف جامعه در زمینه های مربوط به خدمات دولت و قوه قضائیه.

د: بذل توجه و کمک بیشتر به مناطق محروم و روستاها در زمینه های مختلف، خاصه ایجاد اشتغال، بهداشت و توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی.

مفهوم جهاد و اقتصاد در قرآن و روایات

بسیاری از اصول اقتصاد اسلامی در قرآن و روایات مورد اشاره قرار گرفته است. در آیات بسیاری، رهنمودهای جزئی و مشخص در مسائل گوناگون اقتصادی وجود دارد که دستورات مختلفی را برای انسان صادر نموده است و شناخت آن‌ها می‌تواند ما را در رسیدن به اهداف مکتب اسلام و داشتن جامعه‌ای پویا و مترقی و متعالی یاری رساند.

با دقت در آیات و روایات در می‌یابیم که مراعات مسایل اخلاقی و روابط انسانی و رعایت قسط و عدل و انصاف، توصیه به پرداخت زکات و خمس، توصیه به داشتن روحیه کار و زحمت و تلاش برای استقلال اقتصادی و داشتن روحیه تقوای کاری و... همگی نشان‌دهنده دقت و توجه اسلام به این امور است. چنانچه این اصول در جامعه عملیاتی شود موجب برقراری نظم اقتصادی خواهد شد.

مفهوم جهاد: کلمه‌ی جهاد معمولاً به نوعی تلاش مقدس اطلاق می‌شود و یکی از کلماتی است که در گفتمان دینی ما معنا پیدا می‌کند و همیشه صبغه‌ی تقدس را در درون خودش دارد.

مفهوم اقتصاد: اقتصاد از ریشه‌ی قصد به معنی راستی راه است. اقتصاد در لغت به دو معنی است. یکی از آن دو، پسندیده است که حد وسط و میان افراط و تفریط است مانند جود که حد وسط اسراف و بخل محسوب می‌شود و به همین معنی در قرآن به کار رفته است: در رفتارت میانه را برگزین. (لقمان، آیه ۱۹)

و دوم به امری اطلاق می‌گردد که بین پسندیده و ناپسند در نوسان است، مانند آن چه که بین عدل و جور یا قریب و بعید فرض می‌شود: بعضی از آنان بر خود ستم کردند و بعضی راه میانه را برگزیدند. (مفردات: ۴۰۴)

در کلام امیرالمومنین (علیه السلام) در نهج البلاغه آمده است: (آن کس که میانه‌روی در پیش گیرد، هرگز هلاک نگردد) و یا می‌فرماید: «هرکس میانه رو باشد (صرفه جویی کند) هزینه‌اش سبک گردد.» (نهج البلاغه، کلمات قصار،)

بنابراین روشن می‌شود که قصد، روش معقول و راه استوار بین افراط و تفریط است و بر اساس همین معنی، «قصد» و مشتقات آن در جای جای نهج البلاغه به کار رفته است. عبارت جهاد اقتصادی که حکیمانه و مدبرانه، ابعاد دنیوی را با ابعاد مقدس اسلامی در هم آمیخته است، از ترکیب دو واژه ی جهاد و اقتصاد تشکیل گردیده و در واقع به نوعی تلاش مقدس و با انگیزه ی الهی در اقتصاد و معیشت اشاره دارد. شناخت و پیاده کردن اقتصاد اسلامی از اهداف مکتب اسلام است و رسیدن به این هدف موجب شکوفایی جامعه، زدودن فقر و ایجاد رفاه و عدالت می‌گردد. از دیدگاه قرآن کریم و روایات، فعالیت اقتصادی و مبادرت به بهره‌گیری از مواهب طبیعی برای تأمین معاش، می‌تواند جهاد در راه خدا و یک عمل عبادی و مظهری از عبودیت خداوند متعال باشد و چنان چه با رعایت اخلاق و انسانیت، تقوا و وجدان همراه گردد موجب رونق اقتصاد فرد و جامعه می‌گردد. از جمله برخی از اصولی که در قرآن ذکر گردیده بدین شرح است:

- توصیه به رعایت اخلاق و انسانیت در اقتصاد اسلام در رسیدن به همه اهداف اقتصادی و مالی، از چهارچوب ارزش‌های اخلاقی، خارج نمی‌شود و هرگز برای تحقق آن اهداف، از توجه به اخلاق و انسانیت و معنویت غفلت نمی‌کند.

رعایت اخلاق و روابط انسانی، در تثبیت نهادهای اخلاقی عملی در جامعه به عنوان یک حرکت کارساز در پدیدآمدن فرهنگ اسلامی و بالابردن بهره‌وری و داشتن اقتصادی پویا نقش اساسی دارد.

- وفای به عهد: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به عهد و پیمان‌ها (ی خود، با خدا و مردم) وفا کنید

در روایتی از حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده: «همانا پاکیزه ترین شغل، شغل بازرگانی است؛ که چون سخنی گویند دروغ نگویند و هرگاه امانتی به آن ها سپرده شود، خیانت نکنند و هرگاه وعده دهند، خلف وعده نکنند و وقتی چیزی می خردند، از آن نكوهش نکنند و وقتی چیزی می فروشند، تعریف و تبلیغ نکنند و هرگاه بدهکارند (در پرداخت بدهی خود) تعلل نورزند و هرگاه طلب کار باشند (برای گرفتن طلب خود) فشار نیاورند.» (کنز العمال، ۹۳۴۱-۹۳۴۰، ۱۰۵۱۶)

- رعایت عدل و انصاف: و هنگامی که پیمانہ می کنید، حق پیمانہ را ادا نمایید و با ترازوی درست وزن کنید. این برای شما بهتر و عاقبتش نیکوتر است. (اسراء، آیه ۳۵)

در آداب تجارت و کسب و کار حضرت علی (علیه السلام) آمده: ای جماعت بازرگانان، پیش از شروع کسب و کار از خداوند خیر و نیکی بطلبید و با آسان گیری در معامله از خداوند برکت جوید. به خریداران نزدیک شوید، به زیور بردباری آراسته شوید، از قسم خوردن پرهیزید، از ستم کردن و اجحاف بترسید، با مظلومان به انصاف و عدالت رفتار کنید. (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۵۴، ح ۱۰۰).

عدم اکل به باطل کسانی که ایمان آورده اید، اموال یکدیگر را به باطل (و از طریق نامشروع) نخورید، مگر این که تجارتي با رضایت شما انجام گیرد. (نساء، آیه ۲۹)

با دقت در آیات و روایات درمی یابیم؛ مراعات مسائل اخلاقی و روابط انسانی و رعایت قسط و عدل و انصاف و... همگی نشان-دهنده دقت و توجه اسلام به این امور حتی در مسائل مادی است و چنان چه این اصول در جامعه عملیاتی شود موجب برقراری اقتصادی سالم خواهد شد. توصیه به داشتن روحیه کار و تلاش

یکی از عوامل بسیار مهم که می تواند به رشد و توسعه اقتصاد و افزایش کارآمدی در جامعه کمک نماید احیای فرهنگ غنی کار و تلاش و همت و توجه به آموزه های دینی و ارزش های معنوی کار است. هر چه همت و تلاش و کار با انگیزه معنوی درآمیزد و رنگ

و لعاب الهی به خود گیرد، بیشتر موجب احیای این فرهنگ غنی خواهد شد. همچنین باید دانست، در جامعه ای که نگاه منفی و نادرست برای به دست آوردن درآمد و ثروتمند شدن وجود داشته باشد، روح کار و تلاش و جهد و جدیت می میرد و تن پروری و کمکاری، فرهنگ غالب می شود. پس اگر فرهنگ کار و تلاش در جامعه - آن چنان که در آیات و سیره ی عملی و گفتاری ائمه اطهار و معصومین بوده است - نهادینه شود، به طور یقین پیش رفت و رونق اقتصادی کشور را در پی خواهد داشت. از این رو برای احیای فرهنگ کار باید هنجار بودن کار و تلاش و ناهنجار بودن بی کاری و تنبلی و سستی، در جامعه تبیین گردد. در این راستا بهره گیری از آیات و روایات و سیره ی معصومین می تواند ما را در جامعه ای که دین مدار و حق محور بوده، از میزان پذیرش والای این گونه آموزه ها در میان مردم برخوردار است رهنمون سازد.

- رباخواری: قرآن کریم می فرماید: «خدا بیع را حلال کرده است و ربا را حرام.» (بقره، آیه ۲۷۵)

تجربه نشان داده که اموال حاصل از ربا، دوام و بقاء و برکتی ندارد و رباخواران گرفتار سرنوشت های شومی می شوند و با وضع بدی از دنیا می روند. رباخواری فقر و بدبختی می آفریند و جامعه را به تباهی می کشد و تباهی جامعه مایه درد و رنج همه است. رباخواران نیز در آتش فقری که برای جامعه فراهم کرده اند می سوزند. در یک جامعه بدبخت کسی نمی تواند خوش بخت زندگی کند. تحمیل ربا، عملی ظالمانه است که تمام هستی فرد را به باد می دهد و به همین علت است که با اعمال منافی عفت مقایسه و از آن بدتر شمرده شده است چرا که رباخواری یکی از عوامل اصلی فقر و اختلاف طبقاتی به شمار می آید. امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: «پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه) در این روایت ربا و پنج طایفه را - که در ارتباط با ربا هستند - لعنت کرده است: ۱- کسی که میهمان رباخوار می شود و از غذایی که از پول ربا تهیه شده است با علم و

آگاهی استفاده می‌کند. ۲- رباخوار ۳- ربا دهنده ۴- کسی که ربا را محاسبه می‌کند ۵- شهود قرارداد ربا. (مستدرک الوسایل، ج ۱۳، ابواب الربا، باب ۱، حدیث ۸)

- رشوه: رشوه، یکی از گناهان بزرگی است که مفسد اجتماعی متعددی را به دنبال دارد، از جمله: حذف عدالت، یأس و ناامیدی ضعفا، جرأت و جسارت اقویا، فساد و تباهی حاکم و قاضی و از بین رفتن اعتماد عمومی.

قران کریم میفرماید: «و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خودتان نخورید و اموال را به (عنوان رشوه، به کیسه ی) حاکمان و قاضی‌ها سرازیر نکنید تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید، در حالی که خود می‌دانید (که خلاف می‌کنید).» (بقره، آیه ۱۸۸). رشوه دهندگان، دنیاداران هستند که با رشوه دادن به قضات و سایر حکام و کارمندان، می‌خواهند اموال سایر مردم را بخورند. کارمندان دولت به ویژه مسئولان رده بالای اجرایی و قضایی را با رشوه دادن به خدمت مطامع پلید خود در آورده، اموال اشخاص دیگر یا اموال عمومی را تصرف و تصاحب می‌کنند. بنابراین رشوه وسیله ای بیش نیست برای ارتکاب حرام خواری و خوردن اموال مردم به باطل و می‌توان آن را به اختصار مال مردم خوری نامید.

اقتصاد اسلامی از دیدگاه شهید صدر

نظریه شهید صدر تأثیر به‌سزایی در تبیین ماهیت اقتصاد اسلامی داشته و در حقیقت آغاز مبارکی برای تفکر و تحقیق در این باره بوده است. تقریباً همه اقتصاددانان مسلمان به نوعی از اندیشه‌های شهید صدر تأثیر پذیرفته‌اند و بدون اغراق باید گفت اندیشه‌های این شهید صعيد نقطه عطفی در تاریخ اندیشه‌های اقتصاد اسلامی است؛ ولی این بدان معنا نیست که هیچ خللی در اندیشه‌های این مرد بزرگ وجود ندارد. اندیشه‌وران اسلامی یکی پس از دیگری در طول بیش از چهار دهه به تفکر و تحقیق در این باره پرداخته و با آرای

خود بر غنای ادبیات علمی در این زمینه افزودهاوند. در ادامه با تکیه بر این مطالعات به برخی از اشکالات مهم این نظریه خواهیم پرداخت.

پرسش از هویت اقتصاد اسلامی حدود نیم قرن قدمت دارد و پاسخ‌های گوناگونی به آن داده شده است. در این میان کسانی وجود دارند که برای اقتصاد اسلامی فقط هویتی فقهی - حقوقی قائلند، و کسانی نیز یافت می‌شوند که معتقدند اسلام افزون بر احکام اقتصادی، دارای مکتب، نظام و حتی علم اقتصاد ویژه ای است (یوسفی، ۱۳۷۹: ص ۲۱). (۳۴)

شهید صدر در کتاب اقتصادما در بحثی با عنوان «اقتصاد اسلامی علم نیست» در صدد اثبات این مطلب است که اقتصاد اسلامی دارای هویت مذهبی است و هویت علمی ندارد و تا وقتی که جامعه اسلامی تحقق خارجی نیافته، مطالعات علمی ممکن نیست؛ در نتیجه، علم اقتصاد اسلامی نمیتواند وجود حقیقی بیابد (صدر، ۱۴۰۸ق: ص ۳۳۰ - ۳۳۴). وی در بحث دیگری با عنوان «روابط توزیع با شکل تولید ارتباطی ندارد» نظام اجتماعی را تعریف کرده و روابط توزیع ثروت بین مردم را جزئی از نظام اجتماعی به شمار آورده است و تصریح می‌کند که اسلام دارای نظام اجتماعی است (همان: ص ۳۳۵ - ۳۴۵۹)

همچنین در چند جای کتاب خود تعبیر نظام اقتصادی اسلام را به کار می‌برد؛ ولی تعریفی روشن از آن ارائه نمیکند و باید منظورش را از قراین و شواهد به دست آورد. این قراین نشان میدهد که وی معتقد است اسلام دارای نظام اقتصادی با مفهوم ویژه ای است. بی‌تردید شهید صدر در تبیین هویت اقتصاد اسلامی نقش مؤثر و بی‌همتایی داشته و آرای وی در این باره راهگشای همه اندیشه‌وران اقتصاد اسلامی پس از وی بوده است؛ با وجود این، مطالعاتی که طی چهار دهه اخیر درباره اقتصاد اسلامی صورت گرفته، برداشت شهید صدر را از مذهب و نظام اقتصادی تکمیل، و اثبات میکند که اقتصاد اسلامی افزون بر هویت مذهبی، دارای هویت علمی نیز هست.

نظریه شهید صدر

شهید صدر در چند جا مذهب اقتصادی را با تعبیرهای گوناگونی تعریف کرده است:

۱. مذهب اقتصادی روشی است که جامعه ترجیح می‌دهد در حیات اقتصادی و حل مشکلات عملی‌اش از آن روش پیروی کند (همان: ص ۲۹ و ۳۷۷)؛

۲. مذهب اقتصادی مجموعه‌ای از نظریات اساسی است که مشکلات حیات اقتصادی را حل می‌کند (همان: ص ۳۸۴)؛

۳. مذهب اقتصادی شامل هر قاعده اساسی است که با اندیشه عدالت اجتماعی ارتباط دارد (همان: ص ۳۸۱)؛

۴. مذهب اقتصادی، روش تنظیم حیات اقتصادی است.

گرچه عبارات شهید صدر متفاوت است، با توجه به توضیحاتی که ذیل این تعاریف آمده و برخی شواهد و قراین دیگر و با نگاه جمع بین تعابیر پیشین به این نتیجه می‌رسیم که از دیدگاه شهید صدر تعریف مذهب اقتصادی چنین است:

مذهب اقتصادی عبارت است از قواعد کلی روش تنظیم حیات اقتصادی در جهت حل مشکلات اقتصادی؛ قواعدی که با مفهوم معینی از عدالت اجتماعی در ارتباطند.

مشکلات اقتصادی و عدالت اجتماعی از دیدگاه شهید صدر

الف- مشکلات اقتصادی: شهید صدر معتقد است که ظلم انسان در حیات اقتصادی اش و کفران نعمت‌های الهی به وسیله انسان دو سبب اساسی مشکل اقتصادی در حیات او هستند. ظلم انسان در عرصه اقتصاد در سوء توزیع و کفران نعمت در سستی برای بهره‌برداری از طبیعت تجسم می‌یابد. با محو ظلم و کفران، مشکل اساسی در عرصه اقتصاد

از بین می‌رود. اسلام نیز برای رفع هر دو مشکل راه‌حل، مفاهیم و احکامی را وضع کرده است (همان: ص ۳۴۶ ۳۴۸ ص ۶۷۳ - ۶۷۵)

ب. - **عدالت اجتماعی:** شهید صدر اعتقاد دارد که عدالت اجتماعی یکی از ارکان اقتصاد اسلامی است. اسلام عدالت اجتماعی را ضمن عناصر و ضمانت‌هایی که نظام توزیع ثروت در جامعه اسلامی شامل آن‌ها است، مجسم کرده. این عناصر و ضمانت‌ها که با ارزش‌های جامعه اسلامی سازگارند، نظام توزیع را توانا می‌سازند و عدالت اسلامی را محقق می‌کنند و می‌فرماید صورت اسلامی عدالت اجتماعی شامل دو اصل کلی است که هر یک فروع و تفصیلات خاص خود را دارد. این دو اصل عبارتند از اصل تکافل عمومی و اصل توازن اجتماعی. ارزش‌های اجتماعی عادلانه و الگوی اسلامی عدالت اجتماعی در ظرف وجود تکافل و توازن به مفهوم اسلامی‌شان تحقق می‌یابند ابتدا به نظر می‌آید اخذ این دو قید (در جهت حل مشکلات اقتصادی و عدالت اجتماعی) در تعریف باعث تناقض است؛ زیرا از سویی مذهب اقتصادی مشتمل بر قواعد روش تنظیم حیات اقتصادی در جهت حل مشکلات اقتصادی است و مشکلات اقتصادی نیز از سوء توزیع و سستی در بهره‌برداری از طبیعت است؛ در نتیجه، قواعدی که به تنظیم حیات اقتصادی در جهت حل مشکل سستی در بهره‌برداری مربوط می‌شود نیز باید جزء مذهب باشد. از سوی دیگر، قواعدی که به عدالت اجتماعی مربوط نیست نباید جزء مذهب باشد و لازمه آن این است که قواعد مربوط به سستی در بهره‌برداری از طبیعت که به عدالت اجتماعی (به تفسیر شهید صدر) ربطی ندارد، جزء مذهب نباشد. به عبارت دیگر، لازمه قید اول آن است که قواعد مربوط به تولید جزء مباحث مذهب باشد و لازمه قید دوم آن است که این مباحث جزء مذهب نباشد.

گرچه ابتدا چنین اشکالی به نظر می‌رسد، این اشکال به تعریف شهید صدر وارد نیست؛ زیرا: ایشان در بحث روش کشف مذهب اقتصادی می‌فرماید که برخی معتقدند علم اقتصاد، علم قوانین تولید، و مذهب اقتصادی فن توزیع ثروت است؛ بنابراین، هر بحثی که

به تولید و بهبود آن و ایجاد وسایل تولید و بهبود آن مربوط باشد، جزو علم اقتصاد است و هر بحثی که به ثروت و تملک و تصرف در آن مربوط می‌شود، بحث مذهبی و جزو نظام اقتصادی است. شهید صدر پس از نقل این قول آن را رد کرده، به‌طور خلاصه می‌فرماید که تفاوت علم و مذهب در موضوع نیست؛ بلکه در روش و اهداف است؛ بنابراین، هر قاعده اساسی که در ارتباط با اندیشه عدالت اجتماعی باشد، جزء مذهب است و فرقی نمی‌کند که از مباحث بخش تولید باشد یا توزیع.

وی تولید را مشتمل بر دو جنبه میداند: یکی جنبه علمی که با وسیله تولید و طبیعت و کاری که در فرایند تولید انجام میشود ارتباط دارد، و دیگری جنبه‌هایی که به انگیزه‌های انسان و اهدافش و ارزیابی او از این عمل براساس تصورات او درباره عدالت برمیگردد و معتقد است که در مذهب فقط از جنبه دوم تولید بحث میشود بر این اساس، قواعدی که به حل مشکل بهره‌برداری از طبیعت مربوط می‌شوند دو قسمند: قواعدی که به عدالت ربطی ندارند و قواعدی که مربوط به انگیزه‌ها و اهداف انسان از تولید و ارزیابی او از آنند و با تلقی انسان از عدالت ارتباط می‌یابند. نوع اول از این قواعد در علم مورد بحث قرار می‌گیرد و نوع دوم در مذهب. با این توجیه، تناقض در تعریف از بین می‌رود. مشکلات اقتصادی در تعریف مذهب اقتصادی، سستی در بهره‌برداری از طبیعت را نیز شامل میشود و با قید عدالت اجتماعی نیز تنافی ندارد؛ زیرا این مشکل دارای دو جهت است و در مذهب اقتصادی فقط از آن جهت که به عدالت اجتماعی ارتباط می‌یابد، مورد بحث واقع میشود.

شهید صدر پس از تعریف مذهب اقتصادی به تعریف مذهب اقتصادی اسلام نمی‌پردازد؛ ولی در پایان با استناد به وجود حلال و حرام در اسلام که تجسم ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی است و دامنه آن همه فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی را شامل میشود، اثبات میکند که اسلام دارای مذهب اقتصادی است سپس برای آن، دو ویژگی را اثبات میکند: یکی آن‌که مذهب اقتصادی اسلام را باید از منابع اسلامی کشف کرد و دیگر آن‌که مذهب اقتصادی اسلام دارای دو بخش است: بخشی ثابت که از قبل به‌وسیله اسلام

به صورت منجز و قطعی پر شده و بخشی متغیر که قابل تغییر و تبدیل است و منطقه الفراغ را تشکیل می‌دهد و اسلام پرکردن آن را به دولت (ولی أمر) سپرده است تا آن را براساس مقتضای اهداف کلی اقتصاد اسلامی پر کند (همان: ص ۴۰۰ - ۴۰۲).

بر این اساس میتوان گفت که تعریف کامل مذهب اقتصادی اسلام از دیدگاه شهید صدر چنین است:

مذهب اقتصادی اسلام عبارت است از اصول روش تنظیم حیات اقتصادی برای حل مشکلات اقتصادی. این اصول باید درباره مفهوم عدالت اجتماعی از دیدگاه اسلام باشد. این اصول از منابع اسلامی کشف می‌شوند و دارای دو بخش ثابت و متغیرند.

دو قید اخیر که به تعریف مذهب اقتصادی اضافه شد، برای جدا ساختن مذهب اقتصادی اسلام از سایر مذاهب است.

به نظر شهید صدر مذاهب اقتصادی جزئی از مذهب کاملی هستند که عرصه های گوناگون حیات را شامل می‌شوند. مذهب اقتصادی اسلام همچون سایر مذاهب جزئی از مذهب عام اسلامی است (همان: ص ۳۳۰). نظام اجتماعی اسلام

شهید صدر درباره نظام اجتماعی می‌فرماید: مردم در حیات اجتماعی خود با دو نوع عملیات مختلف سروکار دارند: یکی تولید و دیگری توزیع. مردم از یک سو درگیر جنگ با طبیعت برای مطیع کردن آن در جهت امیال خود میشوند و در این جنگ تا جایی که تجربیاتشان اجازه می‌دهد، به ابزار تولید مسلح میشوند، و از سوی دیگر بین آنها روابط معینی برقرار میشود که این روابط، ارتباط افراد با یکدیگر را در شئون گوناگون زندگی تعیین میکنند. این روابط همان است که به آن نظام اجتماعی می‌گوییم. نظام اجتماعی شامل روابط توزیع ثروتی که جامعه تولید کرده است نیز میشود؛ بنابراین افراد در عملیات تولید از طبیعت نفع می‌برند و در نظام اجتماعی که روابط بین آنها را تعیین میکند، این منافع را تقسیم میکنند. وی معتقد است که عملیات تولید همراه با رشد علم همواره در حال

تطور و تحول اساسی بوده و روابط توزیع نیز در طول تاریخ با تغییر اوضاع، شکل‌های گوناگونی یافته است؛ ولی از دیدگاه اسلام، بر خلاف دیدگاه مارکسیست‌ها، روابط توزیع لزوماً تابع شکل تولید نیست و حفظ نظام اجتماعی واحد با تغییر شکل‌های تولید در زمان‌های گوناگون امکان‌پذیر است. بر این اساس، اسلام نظام اجتماعی خود را برای همه مراحل با شکل‌های گوناگون تولید، ارائه می‌کند. وی نظام اجتماعی را مولود نیازهای انسانی می‌داند. به نظر شهید صدر نظام اجتماعی همان شکلی است که زندگی اجتماعی را طبق نیازهای انسانی سامان می‌دهد و چون نیازها به دو قسم ثابت و متغیر تقسیم می‌شوند، نظام اجتماعی اسلام نیز مشتمل بر جوانب ثابت و متغیر است. جوانب ثابت نظام، به نیازهای اساسی و ثابت در زندگی انسانی می‌پردازد؛ همانند نیاز به تضمین معیشت، تولید مثل، امنیت و امثال آن که با احکام توزیع ثروت، ازدواج و طلاق و احکام حدود و قصاص و مانند آن از احکامی که در کتاب و سنت ثابت است، برطرف می‌شود و جوانب متغیر نیز جوانبی هستند که اسلام به ولیّ امر اجازه داده است براساس مصلحت و حاجت و در پرتو جانب ثابت نظام در آن‌ها به اجتهاد بپردازد. در جانب ثابت نظام نیز که مشتمل بر قواعد تشریحی ثابت در قالب قانونی آن است، باید در مقام تطبیق، با شرایط و ملازمات سازگار باشد؛ از این‌رو برای اشباع نیازهای ثابتی که روش‌های اشباع آن‌ها متنوع است، روش صحیح در قالب قواعدی همچون قاعده نفی ضرر در اسلام و قاعده نفی حرج در دین وضع شده است (همان: ص ۳۳۷ و ۳۳۸)

بنابر این چنین نتیجه می‌گیریم که نظام اجتماعی اسلام از دیدگاه شهید صدر عبارت است از مجموعه‌ای از روابط انسانی در شئون گوناگون زندگی است که به منظور تأمین نیازهای انسانی سامان یافته‌اند و دارای دو بخش ثابت و متغیر به تناسب نیازها هستند. اگر تعریفی که شهید صدر از مذهب ارائه می‌کند را با تعریف وی از نظام اجتماعی مقایسه کنیم، پی می‌بریم که از دیدگاه او بین مذهب و نظام سه فرق وجود دارد:

۱. در مذهب «اصول روش تنظیم حیات» بحث میشود؛ ولی در نظام اجتماعی «شکل تنظیم روابط در حیات اجتماعی» مورد بررسی قرار میگیرد.

۲. هدف مذهب رفع مشکلات حیات بشر است؛ ولی هدف نظام، تأمین نیازهای او است.

۳. مذهب فقط اصولی را در بر می گیرد که با اندیشه عدالت مرتبند؛ ولی نظام شامل روابط انسانی مرتبط و غیرمرتبط با اندیشه عدالت است.

با وجود این به نظر میرسد تفاوت دوم و سوم تفاوت‌های ظاهری و اختلاف در تعبیرند. در حقیقت تأمین نیازهای انسانی هدف غایی مذهب و نظام اقتصادی است. برای دستیابی به این هدف باید دو مشکل از سر راه برداشته شود: یکی ظلم و دیگری کفران نعمت؛ زیرا علت عدم تأمین نیازهای انسان‌ها یا سستی در بهره‌برداری از طبیعت است (کفران) یا عدم توزیع عادلانه درآمدها و ثروت‌های جامعه است (ظلم). در نتیجه هدف متوسط مذهب و نظام اقتصادی رفع مشکلات اقتصادی است. همچنین روابط انسانی سامان یافته در جهت تأمین نیازها همان روابط انسانی مرتبط با اندیشه عدالت است؛ بنابراین، یگانه فرق اساسی بین مذهب و نظام، فرق اول است. بدین ترتیب میتوان گفت مذهب اصول روش تنظیم روابط در نظام اجتماعی است؛ به همین دلیل شهید صدر در بسیاری موارد دو اصطلاح مذهب و نظام اجتماعی را به جای یکدیگر به کار برده و گاه بین این دو مفهوم، رابطه «این همانی» برقرار کرده است.

نظام اقتصادی اسلام

شهید صدر در برخی موارد، اصطلاح نظام اقتصادی اسلام را بدون آن‌که تعریفی از آن ارائه دهد، به کار برده است؛ می فرماید: امت اسلامی برای حل مشکلات عقب‌ماندگی اقتصادی چارچوبی جز نظام اقتصادی اسلام ندارد. و این مطلب را بیان میکند که کشورهای اسلامی عقب‌مانده، برای نجات خود از عقب‌ماندگی یا از روش سرمایه‌داری

تقلید کردند یا از روش سوسیالیستی، و در نهایت نیز به روش اقتصاد مختلط پناه آوردند، و هیچ‌گاه به فکر روش بدیل این‌دو روش سنتی نبوده‌اند؛ سپس می‌فرماید این در حالی بود که روش بدیل آماده‌ای وجود داشت که گرچه از میدان تحقق دور بود، در زندگی امت اسلامی همواره حیات نظری و عقیدتی داشت. این روش عبارت بود از روش اسلامی و نظام اقتصادی اسلام (همان: ص ۱۲).

با بررسی این موارد ابتدا به‌نظر می‌رسد نظام اقتصادی از دیدگاه وی همان مذهب اقتصادی است؛ ولی با توجه به بحثی که درباره فرق بین مذهب و نظام اجتماعی و ارتباط این‌دو از دیدگاه شهید صدر کردیم میتوان گفت از دیدگاه وی همین ارتباط بین مذهب اقتصادی و نظام اقتصادی نیز وجود دارد. به‌عبارت دیگر، مذهب اقتصادی «اصول روش تنظیم روابط اقتصادی بین انسان‌ها برای حل مشکلات، از جمله تأمین نیازها» است و نظام اقتصادی همان «شکل تنظیم این روابط انسانی» است و شهید صدر نیز این اصطلاحات را به همین معانی به‌کار برده است و موارد پیش‌گفته نیز به دلیل قرابت این‌دو مفهوم قابل توجه است. براین اساس میتوان نظام اقتصادی اسلام را از دیدگاه شهید صدر چنین تعریف کرد:

نظام اقتصادی اسلام مجموعه‌ای از روابط اقتصادی بین انسان‌ها است که برای تأمین نیازهای اقتصادی (یا رفع مشکلات اقتصادی) سامان یافته، در ارتباط با مفهوم معینی از عدالت بوده و به تناسب نیازهای انسانی دارای دو بخش ثابت و متغیر است.

علم اقتصاد اسلامی شهید صدر در تعریف علم اقتصاد می‌فرماید: علمی است که به تفسیر زندگی اقتصادی و حوادث و پدیده‌های آن و ربط این حوادث و پدیده‌ها به عوامل کلی حاکم بر آن‌ها می‌پردازد (همان: ص ۲۸ و ۳۳۷)

او اعتقاد دارد که تفسیر علمی حوادث اقتصادی از دو راه امکان‌پذیر است:

۱. جمع‌آوری حوادث اقتصادی از طریق تجربه واقعی زندگی و تنظیم علمی آن‌ها به‌گونه‌ای که باعث کشف قوانین حاکم بر حوادث در محدوده آن زندگی واقعی و شرایط ویژه آن شود؛

۲. آغاز در بحث علمی از مسکلمات معینی که ابتدا فرض تحقق آن‌ها میشود و در پرتو آن فروض، توجیه اقتصادی و کیفیت جریان حوادث استنتاج میشود.

راه اول برای تحقق علم اقتصاد اسلامی متوقف بر آن است که مذهب اقتصادی اسلام در عالم واقع تحقق یابد و راه دوم برای توضیح برخی حقایق زندگی اقتصادی در جامعه اسلامی مفید است؛ عنصر روحی و فکری در جامعه اسلامی، دارای اثر فراوانی در زندگی اقتصادی است و این عنصر دارای حدود تعریف شده و شکل معینی نیست تا بتوان آن را فرض، و براساس آن نظریه‌پردازی علمی کرد؛ بنابراین، تا وقتی که مذهب اقتصادی اسلام با همه اصول و مشخصات و اجزایش در متن زندگی اجرا، و وقایع و تجربه‌های اقتصادی آن جامعه به‌صورت منظم بررسی نشود، امکان ندارد علم اقتصاد اسلامی به معنای حقیقی آن تولد یابد (همان: ص ۳۳۱ - ۳۳۴) مذهب، نظام اقتصادی و علم شهید صدر به دو فرق اساسی بین مذهب و علم تصریح میکند:

- مذهب، روش تنظیم حیات است؛ ولی علم تفسیر حوادث زندگی است. به‌عبارت دیگر، مذهب انقلابی برای تحول واقع فاسد و تبدیل آن به واقع سالم است؛ ولی علم، تفسیر موضوعی واقع است

- اندیشه عدالت حد فاصل بین مذهب و علم و علامت فارق بین اندیشه‌های مذهبی و نظریات علمی است (همان: ص ۳۸۱)

- با وجود این، بین این دو ارتباط است؛ زیرا از سویی در برخی موارد مذهب چارچوب بحث علمی را تشکیل می‌دهد؛ مانند قوانین عرضه و تقاضا و قانون دستمزد آهنین که فقط در جامعه سرمایه‌داری (جامعه‌ای که در آن مذهب سرمایه‌داری اجرا شده

است) انطباق علمی می یابد (همان: ص ۳۸۲ و ۳۸۳) و از سوی دیگر گاهی دیدگاه علمی، زیربنای اندیشه مذهبی میشود. برای نمونه، اندیشه های مذهبی تجاریون (مرکاتلیست‌ها)، طبیعیون (فیزیوکرات‌ها)، مالتوس و اشتراکیون (سوسیالیست‌ها) مبتنی بر نظریات علمی است. افزون بر این، وی معتقد است همواره علم در چارچوب یک مذهب تحقق یافته مطالعات خود را شروع میکند (همان: ص ۳۳۲ - ۳۳۱)

شهید صدر درباره رابطه نظام اقتصادی با علم اقتصاد و رابطه نظام اقتصادی با مذهب اقتصادی سخنی نگفته است؛ ولی از مطالبی که در تعریف این اصطلاحات گفته شد می توان این گونه استنباط کرد که «مذهب اقتصادی، اصول روش تنظیم روابط اقتصادی را بیان میکند» و نظام اقتصادی «مجموعه های از روابط اقتصادی است که براساس مذهب اقتصادی سامان می یابد». اگر این رابطه بین مذهب و نظام اقتصادی را بپذیریم، فرق نظام و علم اقتصاد و رابطه این دو نیز شبیه فرق مذهب و علم و رابطه آن دو می شود. بر این اساس:

نظام اقتصادی طرحی برای انقلاب واقع فاسد و تبدیل آن به واقع سالم است؛ ولی علم واقع موجود را تفسیر میکند. نظام اقتصادی مشتمل بر روابطی است که درباره مفهوم معینی از عدالتند؛ ولی علم اقتصاد با فراق از این مفهوم، حیات اقتصادی را تفسیر می کند؛

علم اقتصاد درون یک نظام اقتصادی تحقق یافته به بررسی علمی می پردازد؛

گاه یک نظریه علمی زیربنای نوع خاصی از روابط اقتصادی درون نظام می شود.

معضل اقتصادی و راه حل های آن:

همه امواج فکری در زمینه اقتصادی اتفاق دارند که در حیات اقتصادی معضلی وجود دارد که برطرف کردن آن لازم است و پس از آن در تعیین طبیعت این معضل و اسلوب عامی که برای برطرف کردنش مناسب است اختلاف پیدا می شود

سرمایه داری معتقد است: نظر به اینکه طبیعت محدود می باشد معضل اساسی اقتصادی، کمبود موارد نسبی آن است.

با این ترتیب امکان ندارد کمیت زمینی که انسان در آن زندگی می کند افزایش یابد، همچنین امکان ندارد کمیت ثروتهای متنوع طبیعی که در دل زمین نهفته است بیشتر گردد، با اینکه احتیاجات حیاتی انسان با پیشرفت تمدن و درخشش آن پیوسته گسترش پیدا می کند، این موضوع باعث می شود که طبیعت نتواند پاسخگوی همه آن احتیاجات نسبت بهمه توده ها باشد، در نتیجه مشکلات زیادی برای بر آوردن نیازهای مردم بروز میکند، واز همین موضوع است که مشکل اقتصادی به وجود میآید.

بنابر این معضل اقتصادی بعقیده کاپیتالیسم این است که: موارد طبیعی ثروت نمی تواند با تمدن همگانی کند و اشباع همه نیازها و تمایلات را در خلال تکامل تمدن، جدیداً بوجود میآید تضمین کند.

از طرفی مار کیسم معتقد است: معضل اقتصادی همیشه همان معضل تضاد بین شکل تولید و روابط توزیع است. هر وقت توافق و هماهنگی بین آن شکل و این روابط بوجود بیاید در حیات اقتصادی ثبات حاصل میگردد، با تذکر باینکه نوع آن نظام اجتماعی که از توافق بینشکل تولید و روابط توزیع بوجود آمده فرق نمی کند.

اما اسلام چون سرمایه داری معتقد نیست که: معضل موجود مسئله طبیعت و کمبود موارد آن است. زیرا ملاحظه می کند که طبیعت قادر است همه نیازهای زندگی را، که عدم اشباع آن منجر به پیدایش معضل حقیقی در زندگانی انسان میشود تضمین می کند، کما اینکه همچنین اسلام معتقد نیست که: معضل همانا بین شکل تولید و روابط توزیع است، یعنی بدانسان که مار کیسم باور دارد.. بلکه -قبل از هر چیز - معضل واقعی به خود انسان مربوط می شود نه به طبیعت، یا به اشکال تولید.

این مطالبی است که اسلام در آیات قرآنی زیر مقرر می‌دارد:

«این خداوند است که آسمانها و زمین را آفریده و باران را از آسمان فرو بارید تا انواع کشتها را برای تامین شما برویاند، و او است که کشتی‌ها را بامر خویش بروی سطح دریا و رودخانه قرار داد و در اختیار شما گذاشت، و شب و روز را بشما ارزانی داشت و انواع نعمتهائی که خواستید عطا فرمود. و چنانچه بخواهید نعم بی پایان خدا را بشمارید قادر به شمارش آن نخواهد بود با این همه باز انسان ظلم و کفران می‌کند».

این آیات نورانی با کمال وضوح مقرر می‌دارند: خداوند متعال در این جهان پهناور همه مصالح و منافع انسان و موارد کافی و لازم را برای ادامه حیات و رفع نیازهای مادی وی یک جا جمع کرده است ولی این انسان است که با ظلم و کفر خویش این فرصت را که خداوند به وی ارزانی دانسته از دست داده است.

بنابراین ظلم انسان در زندگانی علمی و کفران وی نسبت به نعم الهی، دو علت اساسی برای بوجود آمدن معضل اقتصادی در حیات انسان است.

ظلم انسان بر مبنای اقتصادی در سوء توزیع مجسم است. و کفران وی نسبت به نعم الهی در سهل انگاری وی برای بهره‌کشی از طبیعت و روش منفی وی نسبت به آن نهفته است.

آنگاه که ظلم از روابط اجتماعی توزیع برطرف شود و انرژی انسان برای استفاده از طبیعت و بهره‌کشی از آن بسیج گردد..

معضل حقیقی اقتصادی از بین می‌رود. آنچه مسلم است اسلام برطرف کردن ظلم را ضمانت کرده و این موضوع را به وسیله راه حل‌هایی که در زمینه‌های توزیع و گردش ثروت فراهم کرده، محقق ساخته است.. (شهید صدر، ص ۴۲۴-۴۲۳)

الزامات جهاد اقتصادی

الف) جهاد، تلاش و خستگی ناپذیری (روحیه جهادی)

اگر ما بخواهیم این حرکت عظیم اقتصادی در کشور در سال ۹۰ انجام بگیرد، یک الزاماتی هم دارد. این الزامات را هم من فهرست وار عرض بکنم.

اولاً روحیه جهادی لازم است. ملت ما از اول انقلاب تا امروز در هر جایی که با روحیه جهادی وارد میدان شده، پیش رفته این را ما در دفاع مقدس دیدیم، در جهاد سازندگی دیدیم، در حرکت علمی داریم مشاهده می کنیم. اگر ما در بخش های گوناگون روحیه جهادی داشته باشیم، یعنی کار را برای خدا، با جدیت و به صورت خستگی ناپذیر انجام دهیم - نه فقط به عنوان رفع تکلیف - بلاشک این حرکت پیش خواهد رفت.

ب) روحیه معنویت و تدین

دوم، استحکام معنویت و روح ایمان و تدین در جامعه است. عزیزان من، این را همه بدانند، تدین جامعه، تدین جوانان ما، در امور دنیائی هم به ملت و به جامعه کمک می کند. خیال نکنند که متدین شدن جوانان، اثرش فقط در روزهای اعتکاف در مساجد یا در شب های جمعه در دعای کمیل است. اگر یک ملت جوانانش متدین باشند، از هرزگی دور خواهند شد، از اعتیاد دور خواهند شد، استعداد آن ها به کار می افتد، کار می کنند، تلاش می کنند، در زمینه ی علم، در زمینه فعالیت های اجتماعی، در زمینه ی فعالیت های سیاسی کشور پیشرفت میکند. در اقتصاد هم همین جور است. روحیه ی معنویت و تدین، نقش بسیار مهمی دارد.

ج) پرهیز از مسائل حاشیه ای

یک شرط دیگر این است که کشور به مسائل حاشیه ای مبتلا نشود. ببینید، ذر بسیاری از اوقات یک مسئله اصلی در کشور وجود دارد که همه باید همت کنند و به سراغ این

مسئله اصلی برون‌د، باید مسئله ی کانونی کشور این باشد، اما ناگهان میبینیم از یک گوشه ای یک صدائی بلند می شود، یک مسئله حاشیه ای درست می کنند، ذهن ها متوجه آن می شود. این مثل این میماند که در یک مسافرت مهمی، کاروانی، قطاری دارد حرکت می کند، هدفش رسیدن به یک نقطه ی خاص است، ناگهان ذهن ها را مشغول کنند، به یک چیز حاشیه ای در بیابان، از راه باز بمانند، احیانا امکان ادامه ی حرکت هم از آن ها گرفته می شود. مسائل حاشیه ای نباید به میان بیاید. مردم ما خوشبختانه قدرت تحلیل دارند، هوشمندند، هوشیارند، میتوانند مسائل حاشیه ای را از مسائل اصلی جدا کنند. توجه شود مسائل حاشیه ای کانون توجه افکار عمومی قرار نگیرد.

د: اتحاد و انسجام ملی

یک شرط دیگر، حفظ اتحاد و انسجام ملی است. این اتحادی که امروز در میان مردم و در بین مردم و مسئولین وجود دارد، مردم به مسئولین خودشان علاقه مندند، به آنها اعتماد دارند، به آنها کمک می کنند، با آنها همراهی می کنند، بین خود مردم اتحاد و وحدت وجود دارد، بایستی باقی بماند و روز به روز تقویت شود. یکی از نقشه های بزرگ دشمنان ملت ایران، ایجاد تفرقه و شکاف در داخل بوده است ؛ به بهانه قومیت، به بهانه مذهب، به بهانه گرایش های سیاسی، به بهانه جناح بندی ها، به بهانه های گوناگون. اتحاد را باید حفظ کرد. خوشبختانه ملت ما آگاهند. همه کسانی که به کشورشان علاقه مندند، به نظام مردم سالاری دینی - که مایه افتخار امروز ملت ایران است - علاقه مندند، باید با هم هماهنگی داشته باشند. مسئولین کشور هم همین جور ؛ آنها هم باید سعی کنند اگر گله ای از هم دارند - که گاهی ممکن است این گله ها به حق هم باشد - این گله را در معرض افکار عمومی مطرح نکنند ؛ این ضربه به اتحاد ملی است ؛ این را همه توجه داشته باشند. من به مسئولین کشور به طور جد این را تذکر و هشدار می دهم. ممکن است مسئولین از هم گله داشته باشند - که همیشه بوده ؛ از اول انقلاب که ما دست اند کار مسائل بودیم، دیدیم ؛ گاهی قوه مجریه از قوه مقننه، گاهی قوه مقننه از قوه قضاییه، گاهی قوه قضاییه از قوه

مجریه گله‌هایی داشتند؛ طبیعت کار هم همین است، گله به وجود می‌آید - ممکن است گله‌ها بحق هم باشد؛ اما این را نباید در عرصه افکار عمومی بیاورند، ذهن مردم و دل مردم را ناراحت کنند، مردم را مایوس کنند؛ بین خودشان حل کنند. مهمترین مسائل دنیا با مذاکره قابل حل است؛ این مسائل جزئی اهمیتی ندارد. پس انسجام قوا با یکدیگر، هماهنگی قوا با یکدیگر مهم است. (امام خامنه‌ای، پیام نوروزی، مشهد مقدس، ۱۳۹۰)

دستگاه توزیع در جامعه اسلامی

اسلام دستگاه توزیع جامعه اسلامی را به صورتی در آورد که حقوق فرد و اجتماع را در آن محقق می‌ساخت. و مانعی بین فرد و حقوق و اشباع تمایلات و اجتماع را در آن محقق می‌ساخت. و مانعی بین فرد و حقوق و اشباع تمایلات طبیعی وی بوجود نیاورد. کما اینکه عزت اجتماع را سلب نکرد و حیات آن را به مخاطره نینداخت، بدینسان است که اسلام از همه سازمانهای مختلف توزیعی، که انسان در طول تاریخ آزمایش کرده امتیاز دارد. سازمان توزیع در اسلام از دو وسیله اصلی تشکیل یافته است، که عبارتند از (کار) و (احتیاج). و هر یک از این دو وسیله دارای نقش فعالی در زمینه عمومی ثروت اجتماعی می‌باشد.

نقش کار در توزیع

عقیده‌ای وجود دارد که می‌گوید: رابطه اجتماعی بین کار و (کارگر) و موضوع کار وجود ندارد، به همین علت کار یا کارگر، بدون در نظر گرفتن نوع و کیفیت کارش، بجز برآوردن نیاز خویش حقی ندارد، زیرا کار یک وظیفه اجتماعی است که فرد برای جامعه انجام می‌دهد و جامعه نیز در مقابل آن، احتیاجات فرد را ضمانت می‌کند این عقیده با طرز تفکر اقتصاد کمونیستی موافق است، زیرا اقتصاد کمونیستی به جامعه بعنوان یک موجود بزرگ می‌نگرد که در آن همه افراد ذوب می‌شوند، و هر فردی از جامعه همانند

سلولی از یک موجود زنده می ماند بر اساس این نظریه، که افراد را در آزمایشگاه بزرگ اجتماعی ذوب می کند، معلوم نیست کارهایی که افراد اجتماع انجام می دهند کارهای افراد باشد، زیرا همه افراد در آن موجود بزرگ (جامعه) ذوب شده اند. به همین علت ارتباط کارگر با حاصل کارش قطع می گردد و جامعه کارگر حقیقی و مالک تولیدات کار همه افراد می شود، و افراد فقط حق دارند نیازهای خویش را مطابق شکل کمونیستی از هر کس به اندازه نیرویش و برای هر کس به اندازه احتیاجش، برآورده سازند.

بنابراین افراد در جامعه کمونیستی درست بسان اجزایی هستند که یک دستگاه مکانیکی از آن بوجود می آید. زیرا هر جزیی از آن دستگاه حق دارد آنچه روغن احتیاج دارد مصرف کند، و در مقابل ملزم است وظیفه خاص خود را انجام دهد. به این ترتیب ممکن است همه اجزا یک دستگاه مکانیکی، علی الرغم اختلاف وظایفشان از جهت اهمیت و پیچیدگی، به طور تساوی روغن مصرف کنند.

اما اقتصاد سوسیالیستی، مارکسیستی، طبق مفهوم خاصی که از « ارزش » دارد، کارگر را به حاصل کارش مرتبط می سازد و معتقد است: این کارگر است که ارزش مبادله ماده را که به وسیله کار خویش آنرا می سازد بوجود می آورد. به این ترتیب ماده بدون کار بشری که در آن متراکم است ارزشی ندارد.

اما اسلام با دو اقتصاد کمونیستی و سوسیالیستی تفاوت دارد. اسلام از این نظر با کمونیسم فرق دارد که کمونیسم ارتباط بین کار فرد و حاصل کار وی را قطع کرده، تأکید می کند که اجتماع به تنهایی مالک حاصل کارهای همه افراد است، زیرا دید اسلام به اجتماع بدین سان نیست که آنرا موجود بزرگی فرض کند، موجودی که در ورای همه افراد قرار داشته باشد، و به هر سمتی که مایل باشد افراد را رهنمون شود، بلکه حقیقت اینست که اجتماع از عده بسیاری از افراد تشکیل یافته است. بنابراین نظریه واقعی متوجه افراد می باشد. زیرا افراد انسانهای متحرکی هستند که کار می کنند، و در هر حال امکان قطع ارتباط کارگر با حاصل کار وی وجود ندارد.

حال باید دید که کار در نظر اسلام چه منشاء اثری دارد. آنچه مسلم است کار سبب می شود که کارگر مالک حاصل کار خویش شود و این مالکیت خصوصی ای که بر اساس کار پی ریزی شده، نشان می دهد که انسان به طور طبیعی تمایل دارد مالک حاصل کار خویش باشد، و این تمایل از این احساس ناشی شده که هر فردی می خواهد بر کار خویش تسلط داشته باشد و همین شعور یا احساس است که بطور طبیعی باعث می شود که انسان برای تسلط بر حاصل کار خویش و بهره های ناشی از آن تمایل پیدا کند. به همین علت، تملک بر اساس کار، حق طبیعی انسان بوده، از احساسات و عواطف غریزی وی سرچشمه می گیرد.

بنابراین کار در نظر اسلام پایه مالکیت کارگر است، با این ترتیب کار وسیله اصلی در دستگاه توزیع اسلامی است. زیرا هر کارگری به وسیله کار از ثروتهای طبیعی یی که بدست می آورد بهره مند می شود و طبق قاعده کار علت مالکیت است، حاصل کار خویش را به تملک در می آورد بدین سان می توانیم در خاتمه عقاید مختلف را درباره ارتباط اجتماعی بین کارگر و حاصل کار وی را خلاصه کنیم:

۱- قانون کمونیسم: (کار علت مالکیت اجتماع می شود نه مالکیت فرد).

۲- قانون سوسیالیسم: (کار علت ارزش ماده است، و در نتیجه باعث می شود که کارگر مالک ارزش ماده بشود).

۳- قانون اسلامی: (کار پایه مالکیت کارگر نسبت به ماده است نه پایه ارزش آن). زیرا وقتی کارگر قواص از دریا لولو بیرون می آورد، با کار خویش ارزش آن را نمی دهد، بلکه به وسیله کار خود مالک آن می شود. (همان، ۴۲۶-۴۲۸).

احتیاج از نظر اسلام و کمونیسیم

احتیاج از نظر کمونیسیم (که معتقد است: هر کس به اندازه انرژی خویش کار می کند و اجتماع به مقدار نیازی که دارد بوی می دهد) تنها معیار اساس توزیع حاصل، بر افراد شاغل در جامعه است، بدان سان که کار نمی تواند مالکیتی پیش از نیاز کارگر ایجاد کند.. در حالی که اسلام معتقد است کار در کنار احتیاج وسیله ای است برای توزیع، و نیز نقش مثبتی را در این مهم ایفا می کند.

بدین سان در حیات اقتصادی زمینه را برای پیدایش و پرورش انرژی ها و خلاقیت توده ها فراهم می سازد، چون وقتی کار وسیله ای برای توزیع باشد رقابت و اندیشه طبیعی تر قیخواهی، همه افراد نابغه را بر می انگیزد تا با همه امکانات و خلاقیت خویش در راه تمدن و پیشرفت اقتصاد بکوشند. اما کمونیسیم درست عکس آن است، زیرا با اعتقاد به این مسئله که اساس توزیع تنها احتیاج کارگر می باشد و نوع کار و فعالیت کارگر در آن دخالتی ندارد، طبیعتاً منجر به این می شود که انگیزه های اولیه انسان منجمد گردد و اثر خود را از دست بدهد و این خود زیان جبران ناپذیری برای جامعه می باشد، چون انگیزه های اولیه است که انسان را وا می دارد تا هر چه بیشتر بکوشد و فعالیت کند در حقیقت آنچه که فرد انجام می دهد برای مصلحت شخصی خویش می باشد، و اگر کار وسیله ای برای توزیع (کالا و بطور کلی ثروت) نباشد و فقط احتیاج، معیار سنجش بهره هر فردی از توزیع گردد (یعنی همانگونه که کمونیسیم انجام می دهد)، در حقیقت مهم ترین نیروی تازنده، که دستگاه اقتصادی را بجلو می راند و به سوی ترقی به آن شتاب می بخشد از بین می رود(همان، ص ۴۳۴)

روش های مالی دولت اسلامی برای تحقق جهاد اقتصادی

اسلام با وجود فراز و نشیب هایی که در آغاز با آن مواجه بود، به علت حاکمیت روح ظلم ستیزی و عدالت خواهی در بطن خود، توانست یک سلسله مبادی و قوانین اساسی

برای سیستم مالی خود، بوجود آورد که در تحقق بخشیدن به جهاد اقتصادی کمک شایانی نمود. مهمترین این مبادی به شرح ذیل است:

۱- مقدم بودن فقرا و بینوایان در بهره برداری از بیت المال

سیره عملی پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار موارد عدیده ای را از ترجیح دادن فقرا و مستمندان حتی بر پیشقدمان در اسلام به یاد می آورد و نشان می دهد که فقرا و بینوایان برای بهره برداری از بیت المال عمومی، حتی از کسانی که سابقه بیشتری در اسلام دارند مقدم ترند.

۲- نامطلوبی تمرکز ثروت

اسلام تمرکز ثروت در گوشه ای، و محرومیت گروهی در گوشه ای دیگر را نمی پسندد و در راه بر طرف ساختن این وضع به رئیس حکومت طبق مقتضیات زمانی و مکانی، اجازه آزادی تصرف می دهد.

۳- اصل مالیات متفاوت بر حسب توان پرداخت

اخذ مالیات، یکی دیگر از اهرم های قوی برای انجام توزیع عادلانه ثروت است. تفاوت دریافت ها باعث می شود که از اغنیا بیشتر و از ضعفا کمتر گرفته شود و یا اصلا گرفته نشود و این امر می تواند توازن مناسبی در جامعه ایجاد کند و راه پیشرفت را در جامعه هموار نماید (بناء رضوی، ۱۳۶۷)

۴- اصل «مزد، به اندازه نیاز» به موازات «کار به اندازه توان»

طبق این اصل که یک اصل بسیار متریقی در اسلام است احتیاج و نیازمندی، به تنهایی مجوز برای تملک در اسلام شناخته شده است و این امر، ارزش بزرگی در ضمانت و بیمه عام اجتماعی دارد.

۵- اصل ضمانت عام اجتماعی

بسیاری از دستورات اسلام راجع به بیمه های اجتماعی آنچنان مترقیانه است که جامعه غرب در قرن بیستم به آن رسیده اند و آن را جزء افتخارات خود دانسته اند. به عنوان نمونه « عمر»، خلیفه دوم، برای هر مولود یکصد درهم و در هنگام رشد، دویست درهم و، وقتیکه بالغ می شد آن را بیشتر می کرد، وی برای کودکان سر راهی نیز صد درهم می داد، و کمک های بلاعوض تنها برای مسلمانان نبود و این بزرگواری اسلامی برای همه مردم بوده و مواردی از کمک های مسلمانان به یهودیان و مسیحیان را می توان در سیره پیامبر و ائمه و خلفا مشاهده نمود.

۶- قانون "از کجا آورده ای"؟

قانون از کجا آورده ای؟ که توسط خلیفه دوم به مرحله اجرا گذاشته شد و حضرت علی (علیه السلام) هم پس از بدست گرفتن خلافت آن را مورد تایید کرد، ثروت شخصی حاکم و کارگزار را قبل و بعد از به قدرت رسیدن مقایسه می کند و اگر چیزی به آن اضافه شده باشد مورد بازخواست قرار می دهد که از چه راهی آن را به دست آورده است، این قانون اگر در زمانه ما به اجرا در آید جلوی بسیاری از اختلاس ها و سوء استفاده ها را خواهد گرفت (بناء رضوی، ۱۳۶۷).

نتیجه گیری

اسلام دارای مذهب و نظام و علم اقتصاد است. مذهب اقتصادی اسلام عبارت است از «قواعد ثابت تنظیم روابط اقتصادی در سه حوزه تولید و توزیع و مصرف جهت رفع مشکلات اقتصادی. نظام اقتصادی اسلام عبارت است از «مجموعه های از روابط اقتصادی در سه حوزه تولید و توزیع و مصرف که براساس قواعد مذهب اقتصادی اسلام، در جهت رفع مشکلات اقتصادی سامان یافته است». این روابط که از احکام و آموزه های اسلامی استنباط میشوند، ثابت و جهان شمولند. تغییر در مقام تطبیق و اجرای این روابط در غالب

مؤسسه‌ها و آیین‌نامه‌ها و مانند آن رخ میدهد. اصل عدالت در اسلام تمام معانی دین را در خود جای داده است. بر این اساس از دیدگاه متفکران اسلامی اصل عدالت حاکم بر همه عرصه‌ها از جمله علم اقتصاد می‌باشد لذا الگوی توسعه و رشد مبتنی بر جهاد اقتصادی، بایستی منطبق بر عدالت باشد. در واقع یک حرکت و جنبش مردمی وقتی پایدار می‌ماند که مبتنی بر حق و عدالت باشد.

گسترش عدالت اجتماعی بدون جهاد اقتصادی امکان‌پذیر نیست، در جامعه‌ای که استفاده از منابع خدادادی حق همگان شمرده شده است، نباید افرادی به بهانه‌های واهی با استفاده از عناصر زر و زور و تبعیض این حق را از سایرین سلب نمایند. توجه اسلام به استفاده مناسب و بهینه از امکانات و نعمت‌های الهی تا آن حد است که انسان‌ها را به دوری از اسراف و تبذیر امر می‌کند (اسراء / ۲۶) و در واقع عدم اسراف مترادف با مصرف بهینه نعمت‌هاست. در جایی دیگر مبذرین را برادران شیطان معرفی کرده است (اسراء / ۲۷) و از طرفی به پیشرفت اقتصادی تاکید زیادی دارد و بر خلاف دیگر مکاتب که بعضی اصالت را به فرد و بعضی به جامعه می‌دهند، اسلام، اصالت فرد و جامعه را با هم می‌داند.

بررسی آیات قرآن این نکته را بازگو می‌کند که نهادینه کردن جهاد اقتصادی و مؤلفه‌های آن در جامعه همچون توانمندی مالی، رشد و توسعه اقتصادی، افزایش ثروت و... نه تنها برای مسلمانان عیب نیست که یک امتیاز هم هست. از آن رو که توان مالی همراه با تقوا ضمن بی‌نیاز ساختن انسان از دیگران، می‌تواند گره‌گشای مشکلات محرومان واقعی باشد. با این رویکرد، از مسؤلان و دستگاه‌های متولی انتظار است، عمق جهت‌گیری هوشمندانه حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در خصوص جهاد اقتصادی و مؤلفه‌های آن را درک کرده و برای اجرایی و عملی کردن آن برنامه‌ریزی نمایند. علاوه بر موارد یاد شده، در تأمین عدالت اجتماعی به معنای اسلامی آن، جنبه‌های دیگری نیز باید مورد توجه قرار گیرد از جمله برابری در مقابل قانون، اجرای یکسان حدود الهی و توجه خاص به اقشار محروم و آسیب‌پذیر جامعه.

منابع

- تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان زیر نظرایت الله مکارم شیرازی، چاپ شانزدهم، دارالکتب اسلامی، تهران، ۱۳۷۶
- طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی، مهدی بناء رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۷
- کلیات اقتصاد اسلامی، محمد رضا یوسفی، انتشارات خرم، قم، ۱۳۷۵
- کاربرد نظریه عدالت اقتصادی در نظام اسلامی، توزیع ثروت و درآمد، ایرج توتونچیان، مجله تحقیقات اقتصادی شماره ۵۷ (پائیز و زمستان)، ۱۳۷۰
- ساختار کلان نظام اقتصادی اسلام، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران، ۱۳۸۱، سید حسین میر معزی
- نظریه نظام اقتصادی اسلام، استاد شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۶۸
- اقتصاد ما، شهید محمد باقر صدر، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی، انتشارات اسلامی، جلد دوم، تهران، ۱۳۵۷
- سایت، www.khanenei.ir
- استاد شهید صدر، محمد باقر، اقتصادنا، (ترجمه محمد کاظم موسوی)، موسسه انتشارات اسلامی، ۱۳۵۰
- ۶- دلشاد تهرانی، مصطفی؛ طایر فرخ پی، تهران، دریا، ۱۳۷۹، چاپ اول، ص ۱۶۵.

- ۷- جمشیدی، محمد حسین؛ نظریه عدالت تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، چاپ اول.
- ۸- استاد شهید مرتضی مطهری، وحی و نبوت (تهران: صدرا، ۱۳۷۳) ص ۳۲.
- استاد شهید مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی (تهران، صدرا، ۱۳۷۲) ص ۶۰.
- مرتضی انصاری. المکاسب (بیروت: موسسه النعمان للطباعته و النشر و التوزیع، ۱۴۱۰ ق. ۱۹۹۰ م)
- علامه محمد حسین طباطبایی المیزان فی تفسیر القرآن (بیروت، موسسه علمی المطبوعات، ۱۴۵۳ ق.)
- استاد شهید مرتضی مطهری، بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی (تهران، حکمت، ۱۴۰۳ ق.)
- ۱۲- محمد حسین جمشیدی، اندیشه سیاسی شهید رابع امام سید محمدباقر صدر (ره) (تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۷).
- امام خمینی، تحریرالوسیله، جز اول (قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان). (بی تا)
- استاد شهید مرتضی مطهری، بیست گفتار (تهران، صدرا، ۱۳۷۴)
- امام خمینی، ولایت فقیه (حکومت اسلامی): (تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳)

- محمد حسین حسینی، نوسازی جامعه از دیدگاه امام خمینی (تهران: موسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۷).
- روزنامه جمهوری اسلامی، ۳۰ آذر، ۱۳۷۲
- ۱۸-یوسفی، احمدعلی، و دیگران، ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول، ۱۳۷۹ ش.
- بناء رضوی، ۱۳۶۷
- پیام نوروزی امام خامنه ای (مدظله) ۹۰/۱/۲، مشهد مقدس
- گسترش و بهبود نظام تأمین اجتماعی. (روزنامه جمهوری، ۱۳۷۲)